

نقش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و ترجیحات جنسیتی مردانگی -
 زنانگی در خشونت ورزی دختران نوجوان

**Role of Cognitive Emotion Regulation and Masculine-
 Feminine Sex-Role Preferences in adolescent Girls
 Aggressiveness**

دکتر سجاد رضائی (نویسنده مسئول)

دکتری روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان Rezaei_psy@hotmail.com

فاطمه قلی پور

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

سحر رشادتی

کارشناس ارشد روان‌شناسی، آموزش و پرورش مرکز گیلان

Sajjad Rezaei

Department of Psychology, University of Guilan, Rasht, Iran

Rezaei_Psy@hotmail.com

Fatemeh Gholipoor

Department of Psychology, Islamic Azad university central Tehran branch,

Tehran, Iran

Sahar Reshadaty

Department of Counseling, Gilan Education and Training Organization,

Rasht, Iran

Abstract

The aim of present research was to investigate the role of cognitive emotion regulation and masculine-feminine sex-role preferences in adolescent girls' aggression. In a cross-sectional study were selected ۵۰۹ girl students by multistage cluster sampling and each of them responded to the Bem sex role inventory (BSRI), Garnefski cognitive emotion regulation questionnaire (CERQ) and Ahvaz Aggression Inventory (AAI). All of cognitive emotion regulation strategies and gender preferences could explain up to ۳۷% of the aggressiveness results of shared variance after adjustment for confounding variables such as age and physical illness history. In the final model, maladaptive cognitive emotion regulation strategy and subscales of self-blame, rumination, catastrophizing, blaming others and masculine Sex-Role directly and adaptive cognitive emotion regulation strategy and positive reappraisal inversely, predicted levels of aggressiveness. It seems promotion and reform of the cognitive emotion regulation strategies and also cultural predispositioning about of inappropriate gender belief substitution, can be profitable in reducing negative emotions such as anger.

keywords: Aggression, Cognitive Emotion Regulation, Sex-Role, Adolescent

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و ترجیحات جنسیتی مردانگی-زنانگی در خشونت ورزی دختران نوجوان بود. در یک پژوهش توصیفی-مقطعی از ۵۰۹ دانش‌آموز دختر به‌شبهه خوشه‌ای چندمرحله‌ای نمونه‌گیری شد و هریک از آنها به پرسشنامه‌ی نقش جنسیتی بم (BSRI)، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گرانفسکی (CERQ) و پرسشنامه پرخاشگری اهواز (AAI) پاسخ دادند. مجموعه‌ی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و ترجیحات جنسیتی حداکثر توانست ۳۷٪ از واریانس مشترک نتایج خشونت‌ورزی را پس از کنترل متغیرهای مخدوش‌کننده‌ی سن و سابقه بیماری جسمی تبیین نماید. در مدل نهایی راهبرد تنظیم شناختی هیجان ناسازگار و زیرمقیاس‌های سرزنش خود، نشخوار فکری، فاجعه‌انگاری، سرزنش دیگران و نقش جنسیتی مردانه به‌طور مستقیم و راهبرد تنظیم شناختی هیجان سازگار و راهبرد ارزیابی مجدد مثبت به‌طور معکوس سطوح خشونت‌ورزی را پیش‌بینی می‌کردند. به‌نظر می‌رسد ارتقاء و اصلاح راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و نیز زمینه‌سازی فرهنگی در خصوص تغییر باورهای نامطلوب جنسیتی می‌تواند در کاهش هیجان‌ات منفی مانند خشم ثمربخش باشد.

واژه‌های کلیدی: پرخاشگری، تنظیم شناختی هیجان، نقش جنسیتی، نوجوان

مقدمه

نوجوانی، مرحله‌ای بحرانی در زندگی انسان است. بررسی و درک مشکلات رفتاری نوجوانان می‌تواند منجر به کاهش تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی برای خود نوجوان، خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند گردد. یکی از مهم‌ترین مشکلات رفتاری، خشونت‌ورزی نوجوانان است (وانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۵؛ بناروس، هاسلر، فالیسارد، کانسولی و کوهن^۲، ۲۰۱۵). خشم می‌تواند با پیامدهای مخربی همراه باشد و حالتی هیجانی-ذهنی قلمداد می‌شود. مشخصه‌ی این حالت وجود تضاد شناختی و برانگیختگی روانی است. علاوه بر آن خشم هیجانی بهنجار با جنبه‌های انطباقی متعدد است اما وقتی که تکرار، شدت و مدت آن افزونتر از جنبه‌های انطباقی باشد، ناکارآمد می‌گردد (کیم، فورد، ماوس و تامیر^۳، ۲۰۱۵؛ رابین و نوواکو^۴، ۱۹۹۹).

این هیجان متلاطم در همه شئون زندگی روزمره حاضر است و ویژگی مشترک بسیاری از اختلالاتی است که متخصصان سلامت روانی و خدمات اجتماعی در موقعیت‌های مختلف با آنها مواجه می‌شوند؛ خشم به طور مشترک در اختلال‌های متعدد شخصیت، بیماری‌های روان تنی، اختلال‌های سلوک، اسکیزوفرنیا، اختلال‌های دو قطبی، اختلال‌های شناختی-مغزی، بدکارکردی‌های کنترل تکانه و شرایط مختلف ناشی از ضایعه مشاهده می‌شود (الیسون، روزن‌اشتاین، کلمینسکی، دالریمپل و زیمرمن^۵، ۲۰۱۵؛ تیلور و نوواکو^۶، ۲۰۰۵). عدم کنترل خشونت‌ورزی نوجوانان نه تنها می‌تواند باعث ایجاد مشکلات بین فردی و افزایش جرم و بزه و تجاوز به حقوق دیگران شود بلکه مشکلات جسمی و روانی مانند زخم معده، سردردهای میگرنی و افسردگی را موجب می‌گردد (پرات^۷، ۱۹۹۹؛ لوگان-گرین، سمانکین جونز^۸، ۲۰۱۵؛

-
- Wang
 - Benarous, Hassler, Falissard, Consoli & Cohen
 - Kim, Ford, Mauss & Tamir
 - Robins & Novaco
 - Ellison, Rosenstein, Chelminski, Dalrymple & Zimmerman
 - Taylor & Novaco
 - Pratt

کابوک، گیلمن^۲، ۲۰۰۸؛ یو و لیم^۳، ۲۰۱۵)، همچنین می‌تواند پیامد های منفی در روابط خانوادگی (تافت^۴ و همکاران، ۲۰۰۹) و عملکرد مدرسه به بار آورد (توماس و اسمیت^۵، ۲۰۰۴).

با وجود انبوهی از شواهد، دیگر درباره‌ی تاثیر خشم مهار نشده بر رفتار، فرایندهای شناختی و سلامتی، تردیدی باقی نمانده است. یک مطالعه شیوع اختلال خشونت‌ورزی در نمونه‌ای از دانش آموزان ایرانی را ۷/۲ درصد و میان پسران ۳/۸ و دختران ۱۱/۲ درصد، بر آورد نمود (پرواز، دلاور و درتاج، ۲۰۱۲). از این رو شیوع بالای رفتارهای پرخاشگرانه در جمعیت دختران نسبت به پسران و کل جامعه نوجوانان، ضرورت بررسی بیش‌تر در خصوص شناسایی عوامل و متغیرهای دخیل در خشونت ورزی دختران را ایجاب می‌نماید. مطابق پژوهش‌های گذشته متغیرهای گوناگونی می‌تواند در بروز خشونت‌ورزی نوجوانان موثر باشد از جمله این عوامل می‌توان به جنسیت (کینگ و واش‌بوش^۶، ۲۰۰۵؛ کینی، اسمیت و دونزلا^۷، ۲۰۰۱)، ویژگی‌های شخصیتی (پیکو و پینزس^۸، ۲۰۱۴؛ بتنکورت، تالی، بنجامین، و والتین^۹، ۲۰۰۶) و عوامل فرهنگی، اجتماعی (شوسر، لی و شی^{۱۰}، ۲۰۱۲؛ پاتیسلانو، دیکسترا، استیگلیچ، ولن‌برگ و وینسترا^{۱۱}، ۲۰۱۵) اشاره نمود.

نقش جنسیتی (Sex-Role) یکی از عناصر مهم تعیین هویت شخص است (وودھیل و سامونلز^{۱۲}، ۲۰۰۳) و از آنجایی که نوجوان در پی کسب هویت می‌باشند

-
- Logan-Greene & Semanchin Jones
 - Kabbouche & Gilman
 - You & Lim
 - Taft et al
 - Thomas & Smith
 - King & Waschbusch
 - Kinney, Smith & Donzella
 - Pikó & Pinczés
 - Bettencourt, Talley, Benjamin & Valentine
 - Shuster, Li & Shi
 - Pattiselanno, Dijkstra, Steglich, Vollebergh & Veenstra
 - Woodhill & Samuels

به نظر می‌رسد نقش جنسیتی می‌تواند یکی از عوامل تاثیرگذار بر خشونت‌ورزی دختران نوجوان باشد. بر اساس مدل نقش جنسیتی بم^۱ هر شخصی از لحاظ نقش جنسیتی ممکن است دارای سه نوع شخصیت: (۱) مردانه، (۲) زنانه و (۳) آندروژنی (دوجنسیتی) باشد (بم، ۱۹۷۴). شخصیت مردانه مربوط به زنان یا مردانی است که در بعد مردانه نمره‌ی بالا و در بعد زنانه نمره‌ی پایین می‌آورند. به عبارت دیگر، رفتارها و خصایص مردانه را بیش‌تر از رفتارها و خصایص زنانه بروز می‌دهند. شخصیت زنانه مربوط به زنان و مردانی است که در بعد زنانه نمره‌ی بالا و در بعد مردانه نمره‌ی پایین می‌آورند؛ به عبارت دیگر، رفتار و خصایص زنانه را بیش‌تر از رفتارها و خصایص مردانه نشان می‌دهند. شخصیت آندروژن مربوط به افرادی است که در هر دو بعد زنانه و مردانه بالا می‌باشند، به عبارت دیگر، هر دو خصایص زنانه و مردانه در آنها وجود دارد، زمانی که نمره فرد در هر دو مقیاس زنانه و مردانه پایین باشد فرد دارای شخصیت نامتمایز می‌باشد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که نقش جنسیتی می‌تواند پیش‌بین بهتری برای الگوی ابراز و تجربه خشم باشد (کوپر-رولند^۲، ۱۹۸۸؛ کوپر و داگلاس^۳، ۱۹۹۱؛ میلوشویچ، هاولز، درو و دی^۴، ۲۰۰۱). پژوهش‌ها موید این نکته‌اند که نقش جنسیتی افراد می‌تواند در برون‌ریزی و یا درون‌ریزی خشم تاثیرگذار باشد (کینی، اسمیت و دونزلا، ۲۰۰۱). مردان و زنانی که از ویژگی مردانه بیش‌تری برخوردار بودند تمایل بیش‌تری به برون‌ریزی خشم داشتند و مردان و زنانی که ویژگی زنانگی در آنها بارزتر بود، تمایل به درون‌ریزی خشم داشتند (کینی، اسمیت و دونزلا، ۲۰۰۱؛ کوپر-رولند، ۱۹۸۸؛ کوپر و داگلاس، ۱۹۹۱؛ میلوشویچ، هاولز، درو و دی، ۲۰۰۱). برخی یافته‌ها نیز موید این مطلب بودند که سنخ جنسیتی مردانه از سایر سنخ‌ها پرخاشگرت‌رند (وپر-رولند، ۱۹۸۸؛ کوپر و داگلاس، ۱۹۹۱؛ میلوشویچ، هاولز، درو و دی، ۲۰۰۱).

-
- Bem
 - Kopper-Roland
 - Kopper & Douglas
 - Milovchevich, Howells, Drew & Day

تنظیم هیجان^۱، عامل مهمی در تعیین سلامتی و داشتن عملکرد موفق در تعاملات اجتماعی است و نقص در آن با اختلالات درون‌ریز و پاسخ به کورتیزول که منجر به آسیب‌های حاصل از استرس می‌شود، ارتباط دارد (کویرین، کو و دوسینگ^۲، ۲۰۱۱). تنظیم هیجان را راهبردهای مورد استفاده در کاهش، افزایش، سرکوب و یا ابقای هیجان می‌دانند و معتقدند، تنظیم هیجان از ویژگی ذاتی و فطری آدمی است (پلیتری^۳، ۲۰۰۲). گروس و جان^۴ (۲۰۰۳) مدل فرایندی تنظیم هیجان را پیشنهاد کرده است. برطبق این مدل، تنظیم هیجان شامل همه راهبردهای آگاهانه و غیرآگاهانه می‌شود که برای افزایش، حفظ و کاهش مؤلفه‌های هیجانی، رفتاری و شناختی یک پاسخ هیجانی به کار برده می‌شود. پاسخ‌های هیجانی، اطلاعات مهمی درباره‌ی تجربه‌ی فرد در ارتباط با دیگران فراهم می‌کند. با این اطلاعات، انسان‌ها یاد می‌گیرند که در مواجهه با هیجانات چگونه رفتار کنند، چگونه تجارب هیجانی را به صورت کلامی بیان کنند، چه راهکارهایی را در پاسخ به هیجان‌ها به کار برند و در زمینه‌ی هیجان‌های خاص، چگونه با دیگران رفتار کنند. به عقیده‌ی گرانسکی و کرایج^۵ (۲۰۰۶) افراد در مواجهه با شرایط استرس‌آمیز، از راهبردهای متنوع تنظیم هیجان استفاده می‌کنند. از جمله‌ی این راهبردها نشخوار فکری، سرزنش خود، سرزنش دیگری، فاجعه‌انگاری و تمرکز مجدد مثبت، کنار آمدن، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز بر برنامه‌ریزی است. در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به مشخص کردن رابطه‌ی بین تمایل به کاربرد راهبردهای معین و انواعی از اختلال‌ها اختصاص یافته است که شامل افسردگی (گرانسکی و کرایج، ۲۰۰۶) و اختلال اضطراب‌تعمیم یافته (مینن و فاراچ^۶، ۲۰۰۷) می‌شود. مطالعات دریافته‌اند راهبردهای تنظیم هیجان با کاهش هیجانات منفی و

-
- emotion regulation
 - Quirin, Kuh & Düsing
 - Pellitteri
 - Gross & John
 - Garnefski & Kraaij
 - Mennin & Farach

مدیریت هیجان و بهزیستی ذهنی رابطه مثبتی دارد (دیفن‌دورف، ریچارد و یانگ، ۲۰۰۸؛ مارتینی، بوسری^۲، ۲۰۱۰) و راهبردهای شناختی تنظیم هیجان که کم‌تر انطباقی‌اند از جمله سرزنش خود، فاجعه‌انگاری و تمرکز بر تفکر با جلوه‌هایی از هیجان‌ات منفی نظیر استرس، خشم، افسردگی و اضطراب رابطه معنادار دارد (یوسفی، ۲۰۰۷). بررسی‌ها نشان می‌دهند که آموزش گروهی تنظیم هیجان، تاثیر مثبتی بر کاهش آسیب رساندن به خود، عدم تنظیم هیجان و نشانه‌های ویژه اختلال شخصیت مرزی (گراتز و روئه‌مر^۳، ۲۰۰۴) و کاهش نشانه‌های افسردگی (علوی و غروی، امین-یزدی، صالحی‌فردی، ۲۰۱۱) دارد. براکت و پلومرا، موجسا-کاجا، ریس و سالووی^۴ (۲۰۱۰) (۲۰۱۰) نیز یادآور شده‌اند فردی که در تنظیم هیجان‌ات منفی مشکل دارد، در برابر فشارهای محیطی آسیب‌پذیرتر است؛ حتی این یافته به صورت یک باور عمومی درآمده است که "مهارت‌ها یا توانایی‌های ضعیف اشخاص، باعث افزایش آسیب‌پذیری آنها در برابر استرس می‌شود". بنابراین تنظیم هیجان سازگارانه، با عزت‌نفس و تعاملات اجتماعی مثبت مرتبط است و افزایش در فراوانی تجربه هیجانی مثبت باعث مراقبه موثر با موقعیت استرس‌زا می‌شود و حتی رفتارها و فعالیت‌های مناسب در پاسخ به موقعیت‌های اجتماعی را بالا می‌برد (نریمانی، عالی‌ساری و عفت‌پرور، ۲۰۱۳) و عاملی کلیدی و تعیین‌کننده در بهزیستی روانی و کارکرد اثربخش است (گرانسفکی و کرایچ، ۲۰۰۶).

مرور یافته‌های پیشین نشان می‌دهد که در چند دهه‌ی اخیر، خشونت ورزی افزایش یافته است و شواهد تجربی چشمگیری آثار مخرب خشم را در روابط انسانی نشان داده‌اند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ بناروس، هاسلر، فالیسارد، کانسولی و کوهن، ۲۰۱۵) به همین دلیل، این مسئله توجه متخصصان به ویژه روانشناسان را به خود جلب کرده است. طی سال‌های گذشته، پژوهش‌هایی به منظور یافتن علل پرخاشگری و

-
- Diefendorff, Richard & Yang
 - Martini & Busseri
 - Gratz & Roemer
 - Brackett, Palomera , Mojsa-Kaja , Reyes & Salovey

تأثیرات آن در روابط بین فردی و شیوه‌های کنترل آن صورت گرفته است. هدف از درمان‌ها و مداخلات کنترل خشم، کاهش احساسات هیجانی و برانگیختگی فیزیولوژیکی ناشی از خشم، افزایش آگاهی افراد نسبت به خشم و آموزش شیوه‌ها و راهبردهای مؤثر به منظور کنترل آن است (کمپ و استرانگمن، ۱۹۹۵). بنابراین با توجه به رواج پرخاشگری در میان جامعه دختران نوجوان (پرواز، دلاور و درتاج، ۲۰۱۲) و اهمیت راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (دیفن‌دورف، ریچارد و یانگ، ۲۰۰۸؛ مارتینی، بوسیری، ۲۰۱۰ و براکت و پلومرا، موجسا-کاجا، ریس و سالووی، ۲۰۱۰) و ترجیحات نقش جنسیتی (کوپر-رولند، ۱۹۸۸؛ کوپر و داگلاس، ۱۹۹۱؛ میلوشویچ، هاولز، درو و دی، ۲۰۰۱) در بسیاری از مطالعات بالینی و نیز با توجه به نقش خشم در ایجاد اختلالات و سازگاری‌های روانشناختی (الیسون، روزن‌اشتاين، کلمینسکی، دال‌ریمپل و زیمرمن، ۲۰۱۵؛ تیلور و نوواکو، ۲۰۰۵)، پژوهش حاضر قصد دارد تا نقش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و ترجیحات نقش جنسیتی را در خشونت‌ورزی دختران نوجوان دبیرستانی مطالعه نماید.

روش

پژوهش حاضر و از نوع مشاهده‌ای (غیرآزمایشی) و به شیوه توصیفی-مقطعی اجرا شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی بود که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ در شهرستان لاهیجان و سنگر (شمال ایران) مشغول به تحصیل بودند. بر اساس استعلام از مدیریت آموزش پرورش شهرستان لاهیجان و سنگر در این سال ۴۰۰۰ دانش‌آموز دختر در دبیرستان‌های متوسطه این دو شهر شاغل به تحصیل بودند. از میان دانش‌آموزان مدارس لاهیجان و سنگر از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۵۰۹

دانش آموز انتخاب شدند و هریک از آنان به پرسشنامه‌های پرسشنامه‌ی نقش جنسیتی بم^۱ یا BSRI (بم، ۱۹۷۴)، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان^۲ یا CERQ (گرانسفکی، ون‌دنکومر، کرایج، لگراستی و اونستین^۳، ۲۰۰۲) و پرسشنامه پرخاشگری اهواز (زاهدی‌فر، نجاریان و شکرکن، ۲۰۰۰) را تکمیل نمودند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه‌ی نقش جنسیتی بم (BSRI): در این پژوهش از پرسشنامه‌ی نقش جنسیتی بم برای بررسی ترجیحات جنسیتی دختران دانش آموز استفاده شد. این پرسشنامه به طور کلی برای انجام پژوهش‌های عملی در باره‌ی جنسیت روان‌شناختی تدوین شده و در برگیرنده‌ی ۶۰ ویژگی شخصیتی است؛ ۲۰ ویژگی، مشخصه کلیشه‌ای مردانه است (مانند جاه‌طلبی، استقلال و منطقی بودن) و ۲۰ ویژگی مشخصه شخصیتی زنانه است (مانند عاطفی بودن، ملایم بودن، وابسته بودن). این پرسشنامه ۲۱۰ ویژگی خنثی را نیز در بردارد (مانند شاد بودن، صادق بودن، صمیمیت). پاسخ به هر ویژگی، بر اساس رتبه‌بندی ۷ درجه‌ای است که نشان می‌دهد هر یک از این ۶۰ ویژگی تا چه حد با ویژگی شخصیتی آزمودنی همخوانی دارد. یعنی از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود برای هر صفت نشان دهند که بر اساس مقیاس از یک (هرگز در مورد من صدق نمی‌کند) تا هفت (همیشه در مورد من صدق می‌کند) خود را توصیف کنند. هر صفت بر اساس ابعاد مستقل مردانگی، زنانگی، دوجنسیتی (آندروژنی) و یانامتمایز بودن نمره گذاری می‌شود. بر اساس روش نمره گذاری این پرسشنامه، بالا یا پایین بودن نمرات در مقایسه با میانه گروه سنجیده می‌شود در این پژوهش میانه نمرات در مقیاس مردانگی ۲/۹۵ و در مقیاس زنانگی ۲/۸۰ می‌باشد بنابراین:

-
- Bem Sex Role Inventory
 - Emotion Regulation Questionnaire
 - Garnefski, Van Den Kommer, Kraaij, Legerstee & Onstein

- بالا بودن نمره در هر دو مقیاس مردانگی و زنانگی، نشانگر دوجنسیتی بودن است.
 - پایین بودن نمره در هر دو مقیاس مردانگی و زنانگی، نشانگر نامتمایز بودن است.
 - بالابودن نمره در مقیاس مردانگی و پایین بودن نمره در مقیاس زنانگی، نشانگر مردانگی بودن است.
 - بالا بودن نمره در مقیاس زنانگی و پایین بودن نمره در مقیاس مردانگی، نشانگر زنانگی بودن است (جرمان، وندرلیندن، د-اکرمونت و زرمانن^۱، ۲۰۰۶).
- اعتبار و پایایی این پرسشنامه به زبان فارسی توسط حجازی و رضادوست (۲۰۱۲) بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مردانگی و زنانگی به ترتیب نشانگر پایایی همسانی درونی ۰/۷۶ و ۰/۷۸ بود. همچنین نتایج پایایی بازآزمایی با یک نمونه ۱۵ نفره برای مقیاس‌های مردانگی و زنانگی به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۷۸ به دست آمد که حاکی از قابلیت اعتماد این ابزار در طول زمان می‌باشد.

پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان: پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (CERQ) به منظور ارزیابی نحوه تفکر بعد از تجربه رخدادهای تهدید کننده یا استرس زای زندگی تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۳۶ ماده است که نحوه پاسخ به آن بر اساس یک مقیاس پنج درجه‌ای از هرگز تا همیشه قرار دارد. یوسفی (۲۰۰۷) پایایی این مقیاس را در نوجوانان ایرانی بررسی کرده و ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس راهبردهای تنظیم هیجان ناسازگار ۰/۷۸، خرده مقیاس راهبردهای تنظیم هیجان سازگار ۰/۸۳ و کل پرسشنامه را ۰/۸۱ گزارش نموده است. اعتبار این پرسشنامه ۰/۸۵ گزارش شده است. این مقیاس ۹ راهبرد پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، فاجعه انگاری، سرزنش دیگران، نشخوار فکری، کنار آمدن و سرزنش خود را شامل می‌شود. روایی سازه‌ای و پایایی این ابزار برای جامعه ایرانی با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی مورد

پذیرش قرار گرفته است و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای هرکدام از زیرمقیاس‌ها بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۲ محاسبه شده است (عبدی، ۲۰۰۷).

پرسشنامه پرخاشگری اهواز: این پرسشنامه مبتنی بر هنجار ایرانی، توسط زاهدی‌فر، نجاریان و شکرکن (۲۰۰۰) ساخته شد و مشتمل بر ۳۰ ماده است که ۱۴ ماده آن عامل خشم و ۸ ماده آن عامل تهاجم و ۸ ماده، عامل کینه توزی را می‌سنجد. در پژوهش حاضر از نمره کل این پرسشنامه برای تحلیل‌های آماری ارائه الگوی پیش‌بینی استفاده شد. ضرایب پایایی بازآزمایی به دست آمده بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت ۰/۷۰ بوده است. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از اجرای همزمان چند مقیاس از جمله پرسشنامه چند وجهی شخصیتی مینه سوتا (MMPI)، پرسشنامه افسردگی بک (BDI) و پرسشنامه شخصیتی آیزنک (EPQ) استفاده شد که ضرایب همبستگی این پرسشنامه با ابزارهای نامبرده در جهات مورد انتظار معنادار به دست آمد. در مجموع محققان نتیجه گرفتند که ضرایب اعتبار این پرسشنامه رضایت‌بخش می‌باشد (زاهدی فر، نجاریان و شکرکن، ۲۰۰۰).

در پژوهش حاضر برای توصیف داده‌ها، شاخص‌های آمار توصیفی نظیر درصد، فراوانی، میانگین و انحراف معیار ($M \pm SD$) و دامنه تغییرات به کار گرفته شد. در قسمت آمار استنباطی برای تعیین رابطه میان متغیرهای فاصله‌ای-فاصله‌ای از ضریب همبستگی پیرسون و برای تعیین رابطه‌ی متغیرهای اسمی-دوسطحی نظیر سابقه بیماری جسمی با متغیرهای فاصله‌ای از ضریب همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای استفاده شد. همچنین به منظور پیش‌بینی متغیر ملاک (خشونت‌ورزی دختران نوجوان) از روی متغیرهای پیش‌بین پس از کنترل متغیرهای مخدوش‌کننده از تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی به روش ورود همزمان استفاده شد. سرانجام از نتایج این تحلیل‌های آماری که شامل ضریب تعیین (R^2)، ضریب تعیین سازگار شده (R^2_n)، خطای استاندارد برآورد (SE_E)، ضرایب بتا (β)، مقادیر t و سطوح معنی‌داری می‌باشد، مدل

پیش بینی خشونت ورزی بر مبنای ابعاد تنظیم شناختی هیجان و جهت گیری های نقش جنسیتی استخراج می شود.

یافته ها

از ۵۰۹ پرسشنامه توزیع شده، آزمون های ۴۹۰ نفر به طور صحیح بازگشت شد (اعتبار پیمایش ۰/۹۶) و برای تجزیه و تحلیل های آماری مورد استفاده قرار گرفت. میانگین سنی آزمودنی ها ۱/۰۲ ع ۱۵/۸ سال بود و از میان شرکت کنندگان ۱۴۷ نفر پایه اول دبیرستان، ۱۰۶ نفر پایه دوم دبیرستان و ۲۳۷ نفر پایه سوم دبیرستان بودند. از نظر رشته تحصیلی ۱۴۷ نفر (۰/۳۰) از شرکت کنندگان در پایه اول و عمومی تحصیل می کردند، ۱۸۰ نفر (۰/۳۶/۷) در رشته ادبیات و علوم انسانی، ۹۴ نفر (۰/۱۹/۲) در رشته علوم تجربی، ۳۹ نفر (۰/۷/۹) در رشته ریاضی فیزیک و ۳۰ نفر (۰/۶/۱) در رشته کاردانش بودند. شاخص های آمار توصیفی برای ۱۶ متغیر مورد مطالعه که شامل نمره کل آزمون پرخاشگری، سن، معدل، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و ترجیحات نقش جنسیتی است در جدول ۱- خلاصه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات تنظیم شناختی هیجان و نقش جنسیتی در دختران

نوجوان		SD	M	حداقل	حداکثر
متغیرها	سن (به سال)	۱/۰۲ ع ۱۵/۸۰	۱۳	۱۸	
معدل	۲/۹۰ ع ۱۶/۵۶	۱۰	۱۹/۹۶		
پذیرش	۳/۹۰ ع ۱۲/۴۶	۰	۲۱		
تمرکز مجدد مثبت	۳/۹۵ ع ۱۴/۲۶	۰	۵۳		
تمرکز برنامه ریزی	۴/۰۸ ع ۱۵/۵۱	۰	۶۰		
ارزیابی مجدد مثبت	۴/۰۵ ع ۱۴/۴۸	۰	۴۲		
کنار آمدن	۳/۵۹ ع ۱۳/۳۷	۰	۲۰		
تنظیم هیجان سازگار	۱۴/۵۱ ع ۶۹/۹۲	۰	۱۰۷		

۲۰	۰	۱۲/۰۶ع ۳/۹۳	سرزنش خود
۲۰	۰	۱۲/۷۹ع ۳/۹۸	نشخوار فکری
۳۸	۰	۱۱/۵۳ع ۴/۳۶	فاجعه انگاری
۲۰	۰	۹/۸۱ع ۴/۱۱	سرزنش دیگران
۸۰	۰	۴۶/۲۰ع ۱۳/۰۴	تنظیم هیجان ناسازگار
۵/۳۵	۰	۲/۹۶ع ۰/۷۱	جهت گیری مردانگی
۴/۷۰	۰	۲/۸۱ع ۰/۵۶	جهت گیری زنانگی
۱۴۰	۰	۴۰/۰۷ع ۱۵/۷۸	نمره کل خشم

ماتریس ضرایب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای و پیرسون برای کلیه متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آمده است. همان طور که در این جدول ملاحظه می‌شود، تحلیل‌های دو متغیره، رابطه بین نمره کل خشم و متغیر تنظیم هیجان ناسازگار را قوی نشان داد ($r=0/58$) و در سایر ابعاد تنظیم شناختی هیجانی، نیرومندی رابطه‌ی خشم با پذیرش ($r=-0/40$) سرزنش خود ($r=0/44$)، نشخوار فکری ($r=0/48$)، فاجعه انگاری ($r=0/47$)، سرزنش دیگران ($r=0/46$) در سطح متوسط به دست آمد. در سایر ابعاد علی‌رغم وجود رابطه معنی‌دار روابط ضعیف و قابل چشم پوشی ظاهر شدند. در ابعاد ترجیحات نقش جنسیتی نیز نمره کل خشم با بیش‌ترین رابطه را با مردانگی ($r=0/15$) و آندروژنی ($r=-0/11$) و در سایر ابعاد روابط معنی‌داری به دست نیامد. در مجموع رابطه خشم با ابعاد تنظیم شناختی هیجان، قوی از ترجیحات جنسیتی به دست آمد. در این تحلیل‌های دو متغیره همچنین مشخص شد متغیرهای سن و وجود سابقه بیماری جسمی با متغیر وابسته این پژوهش رابطه معنی‌دار در سطح $0/001$ دارد، بنابراین در تحلیل‌های رگرسیون سلسله مراتبی نقش مخدوش

کنندگی این متغیرهای جمعیت شناختی در تبیین تغییرات پرخاشگری دختران کنترل گردید.

جدول ۲. ضرایب همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای و پیرسون متغیرهای جمعیت شناختی و خشونت‌ورزی با راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و ترجیحات جنسیتی (n=۴۹۰)

متغیرها	خشونت‌ورزی	سن (به سال)	معدل	سایقه بیماری جسمی
سن (به سال)	**۰/۱۱	۱	-	-
معدل	-۰/۰۴	**۰/۱۸	۱	-
سایقه بیماری جسمی	**۰/۱۳	۰/۰۲	۰/۰۱	۱
زنانگی	-۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۱
مردانگی	*۰/۱۵	**۰/۱۳	-۰/۰۷	۰/۰۵
آندروژنی (دوجنسیتی)	*-۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰۷	-۰/۰۷
نامتمايز	*-۰/۱۱	-۰/۰۸	**۰/۰۹	۰/۰۷
پذیرش	**۰/۴۰	**۰/۰۹	-۰/۰۱	**۰/۰۹
تمرکز مجدد مثبت	۰/۰۸	**۰/۰۹	۰/۰۴	-۰/۰۱
تمرکز بر برنامه ریزی	**۰/۱۳	**۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۴
ارزیابی مجدد مثبت	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۱
کنار آمدن	**۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۳
تنظیم هیجان سازگار	**۰/۱۹	*۰/۱۰	**۰/۱۲	۰/۰۴
سرزنش خود	**۰/۴۴	**۰/۱۸	**۰/۱۴	**۰/۱۲
نشخوار فکری	**۰/۴۸	**۰/۱۲	*۰/۱۰	**۰/۱۴
فاجعه انگاری	**۰/۴۷	۰/۰۸	**۰/۱۲	*۰/۱۰
سرزنش دیگران	**۰/۴۶	۰/۰۳	**۰/۱۴	*۰/۱۲
تنظیم هیجان ناسازگار	**۰/۵۸	**۰/۱۳	**۰/۱۳	**۰/۱۴

**P< ۰/۰۱ *P< ۰/۰۵

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی به روش همزمان، شامل ضریب تعیین (R^2)، خطای استاندارد برآورد (SE_E)، ضرایب، مقادیر t و سطح معناداری را نشان می دهد که در آن نقش ۱۴ متغیر (به استثنای نمرات کل راهبردهای کلی شناختی هیجان سازگار و ناسازگار) برای پیش بینی نمره کل خشم بررسی شده است. در این میان نقش متغیرهای مخدوش کننده سن و سابقه بیماری جسمی کنترل شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی خشم از روی تنظیم شناختی هیجان و

نقش جنسیتی با کنترل سن و سابقه بیماری

شاخص ها					متغیرها
P-Value	t	ضرایب	SE	B	
۰/۸۴	۱/۲۹	۰/۰۵	۰/۶۰	۰/۷۸	سن
۰/۲۵	۰/۶۹	۰/۰۳	۱/۵۹	۱/۱۱	سابقه بیماری جسمی
۰/۰۰۱	-۳/۴۶	۰/۲۰	۱/۸۸	۶/۵۱	نقش مردانگی
۰/۶۵	-۱/۲۱	-۰/۰۶	۱/۷۰	-۲/۰۷	نقش زنانگی
۰/۶۳	-۱/۴۶	-۰/۱۱	۱/۵۲	-۳/۶۹	نقش نامتمایز
۰/۵۱	۰/۷۵	۰/۰۴	۰/۲۲	۰/۱۶	راهبرد پذیرش
۰/۴۱	-۰/۹۱	۰/۰۴	۰/۱۹	-۰/۱۷	راهبرد تمرکز مجدد مثبت
۰/۶۹	۰/۴۱	۰/۰۲	۰/۱۹	۰/۰۸	راهبرد تمرکز برنامہ ریزی
۰/۰۲	-۲/۲۸	-۰/۱۳	۰/۲۲	-۰/۵۱	راهبرد ارزیابی مجدد مثبت
۰/۹۵	-۰/۱۹	-۰/۰۱	۰/۲۴	-۰/۰۵	راهبرد کنار آمدن
۰/۰۰۵	۲/۸۲	۰/۱۵	۰/۲۱	۰/۶۱	راهبرد سرزنش خود
۰/۰۰۱	۳/۳۰	۰/۲۰	۰/۲۴	۰/۷۸	راهبرد نشخوار فکری
۰/۰۰۳	۲/۹۵	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۵۵	راهبرد فاجعه انگاری
۰/۰۰۰۱	۴/۷۲	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۸۲	راهبرد سرزنش دیگران
تابع پیش بینی					
+ (سرزنش خود) ۰/۶۱ + (ارزیابی مثبت) ۰/۵۱ - (ترجیح مردانگی) ۶/۵۱ = خوشنوت‌ورزی					
+ (سرزنش دیگران) ۰/۸۲ + (فاجعه‌انگاری) ۰/۵۵ + (نشخوار فکری) ۰/۷۸					
خلاصه مدل					
$R^2 = ۰/۳۹۲$, $\Delta R^2 = ۰/۳۷۳$, $SE_E = ۱۲/۵۷۵$, $F = ۲۰/۱۱۲$, $P < ۰/۰۰۰۱$					

همانطور که جدول-۳ ملاحظه می گردد، الگوی رگرسیون معنادار بوده و ۶ متغیر منتخب در مجموع توانسته اند پس از کنترل متغیرهای مخدوش کننده‌ی جمعیتی، ۳۷٪ از واریانس مشترک نمره کل خشم را تبیین نمایند ($P < 0/0001$, $F = 20/112$). در الگوی نهایی متغیرهای سن، سابقه بیماری جسمی، ترجیحات نقش زنانگی، آندروژنی، نامتایز و راهبردهای تنظیم شناختی پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز برنامه‌ریزی و کنار آمدن خارج شدند؛ اما ترجیح نقش مردانگی ($P = 0/001$, $\beta = 0/20$) و راهبردهای دیگر تنظیم شناختی هیجان نظیر ارزیابی مجدد مثبت ($P = 0/02$)، سرزنش خود ($\beta = -0/13$, $P = 0/005$)، نشخوار فکری ($P = 0/001$)، فاجعه‌انگاری ($\beta = 0/20$, $P = 0/003$) و سرزنش دیگران ($P = 0/0001$)، به طور معناداری توانستند واریانس مشترک نتایج خشونت ورزی دختران نوجوان را پیش بینی کنند. نتایج این تحلیل حاکی از آن است که سطح متوسطی از خشم دختران نوجوان (۳۷٪)، توسط این ۶ متغیر منتخب پیش بینی کننده، تبیین می شود. در ادامه جدول-۴ نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نمره کل خشم از روی راهبردهای کلی تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار را با کنترل متغیرهای مخدوش کننده جمعیت‌شناختی نشان می دهد.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی خشم از روی راهبردهای کلی شناختی هیجان سازگار و ناسازگار با کنترل سن و سابقه بیماری

شاخص ها					متغیر ها
P-Value	t	ضریب	SE	B	
0/21	1/24	0/04	0/59	0/74	سن
0/33	0/96	0/03	1/60	1/54	سابقه بیماری جسمی
0/011	2/56	-0/11	0/04	-0/11	راهبرد تنظیم هیجان سازگار
0/0001	14/19	0/62	0/05	0/75	راهبرد تنظیم هیجان ناسازگار
(تنظیم هیجان ناسازگار) 0/75 + (تنظیم هیجان سازگار) -0/11 = خشونت ورزی					تابع پیش بینی
$R^2 = 0/594$, $\Delta R^2 = 0/353$, $SE_E = 12/834$, $F = 60/728$, $P < 0/0001$					خلاصه مدل

با توجه به نتایج جدول-۴، الگوی رگرسیون برای دو راهبرد کلی تنظیم هیجان سازگار و ناسازگار معنادار بوده با این وجود راهبرد تنظیم شناختی ناسازگار قدرت پیش بینی قوی تری را برای متغیر خشم نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که دو راهبردها کلی تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار صرف نظر از زیرمقیاس‌هایشان سطح متوسطی (۳۴٪) از خشم دختران نوجوان را در موقعیت‌های استرس‌زا پیش بینی می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی نقش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و ترجیحات جنسیتی، در پیش بینی خشم دختران نوجوان شاغل به تحصیل در دبیرستان‌های شهرستان لاهیجان و سنجر (شمال ایران) بود. نتایج تحلیل‌های رگرسیونی نشان داد راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (نظیر ارزیابی مجدد مثبت، سرزنش خود، نشخوار فکری، فاجعه‌انگاری و سرزنش دیگران) و ترجیحات جنسیتی (نظیر نقش مردانگی) به طور مستقلی خشونت‌ورزی دختران نوجوان را تبیین نمایند. در این میان سایر متغیرهای پیش‌بین به دلیل تاثیر ناچیز از معادلات رگرسیونی خارج گردیدند (جدول-۳). در مجموع الگوی پیشنهادی حاصل از تحلیل رگرسیون توانست ۳۷٪ از متغیر خشم را تبیین نماید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد متغیرهای راهبرد تنظیم هیجان سرزنش دیگران، نشخوار فکری و ترجیح نقش جنسیتی مردانه قوی‌ترین تاثیر را بر سطوح خشونت‌ورزی دختران نوجوان شرکت کننده در پژوهش دارد (هریک با ضرایب ۰/۲۰ و بالاتر). تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی خشونت‌ورزی از روی نمرات کل تنظیم هیجان سازگار و ناسازگار نیز توانست ۳۵٪ از تغییرات خشم را تبیین نماید. در این تابع راهبرد تنظیم هیجان ناسازگار پیش‌بینی کننده قوی‌تر خشم بود (جدول-۴).

مهم‌ترین یافته این پژوهش در مورد ترجیحات نقش جنسیتی آشکار ساخت، وجود جهت گیری مردانگی در دختران نوجوان می‌تواند سطوح خشونت‌ورزی آنان

را به‌طور مستقیم پیش‌بینی نمایند درحالی‌که ترجیحات جنسیتی زنانگی، هیچ تاثیری روی بروز خشم یا مهار آن نداشت. بدین مفهوم یعنی دختران دارای ترجیح نقش جنسیتی مردانگی در مقایسه با سایر دخترانی که چنین نقشی را برای خود پرورش نداده‌اند پاسخ‌ها، تمایلات و رفتارهای خشونت آمیز بیش‌تری از خود نشان می‌دهند. همسو با پژوهش حاضر سایر تحقیقات نشان دادند افراد با ترجیح جنسیتی مردانه دارای سطوح بالاتری از خشم صفتی هستند و تمایل بیش‌تری به ابراز خشم به سایر افراد یا اشیاء در محیط اطرفشان دارند (کوپر-رولند، ۱۹۸۸). فراتر از این یافته‌ها تحقیقات نشان داده‌اند نوع جنسیت (مرد یا زن بودن) تاثیر تعیین‌کننده‌ای در بروز یا تمایل به سرکوب خشم ندارد بلکه این نقش جنسیتی اتخاذ شده از سوی افراد است که آمادگی برای خشونت و ابراز خشم به سمت بیرون را تعیین می‌کند (کوپر و داگلاس، ۱۹۹۱؛ میلوشوویچ، هاولز، درو و دی، ۲۰۰۱). علاوه بر آن یافته‌های گیاناکوس^۱ (۲۰۰۲) در ارتباط منبع تحریک خشم در کارکنان یک سازمان نشان داد، افراد دارای ترجیح جنسیتی زنانه یا آندروژن درمقایسه با اشخاص با جنسیت نامتمایز بیش‌تر مطرح می‌کردند که دیگران خشم را را در آنها تحریک می‌کنند.

در خصوص اینکه چرا جهت‌گیری مردانگی دختران، خشم بیش‌تری را برای آنها رقم می‌زند اطلاعات وسیعی وجود ندارد اما در این زمینه فرضیه‌های متعددی قابل طرح است. برای نمونه موضوع باورهای نامطلوب جنسیتی در دختران نوجوان که از سال‌های اولیه کودکی در آنان شکل گرفته است می‌تواند به تعارضات جنسیتی و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در آنان دامن بزند. در این زمینه فروتن (۲۰۱۰) نشان داد که محتوای تصویری و متنی در کتاب‌های درسی مدارس ایران، به نفع پسران است. این حقیقت باعث می‌شود که دختران جنسیت مردانه را به عنوان جنس بهتر و جنسیت زنانه به عنوان جنسیت ضعیف‌تر قلمداد نمایند. نتیجه‌ی چنین برداشتی، کاهش عزت نفس و سایر پی‌آمدهای منفی در رشد شخصیتی خواهد بود. بنابراین قابل درک است که زن بودن برای دختران به معنای ضعیف بودن تلقی شده و از نظر اجتماعی دختران

- Gianakos

را با ناکامی‌هایی مواجه می‌نماید. از آنجایی که یکی از صفات منفی و البته قابل دسترس در نقش مردانه مقابله‌جویی و پرخاشگری می‌باشد لذا دخترانی که جهت گیری مردانگی را برای خود انتخاب می‌کنند، با احتمال بیشتری ممکن است به خشونت‌ورزی و رفتارهای مقابله‌جویانه روی آورند. براساس این یافته‌ها ما پیشنهاد می‌کنیم آموزش و زمینه‌سازی فرهنگی در خصوص تغییر باورهای نامطلوب جنسیتی به‌منظور کاهش هیجانات منفی مانند خشم برای جامعه دختران در دستور کار قرار گیرد. علاوه بر آن می‌توان به تقویت این باورها پرداخت نظیر اینکه نیازی نیست دختران از صفات زنانگی خود چشم‌پوشی کنند بلکه می‌توانند همزمان با آن بر میزان ویژگی‌های مثبت (و نه منفی) مردانگی خود بیفزایند؛ زیرا سازگارانه‌ترین ویژگی جنسیتی در نظریه نقش جنسیتی بم (۱۹۸۱) وجود سطح بالایی از هر دو صفت زنانگی و مردانگی در یک فرد واحد است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ویژگی آندروژنی پیش بینی کننده‌ی خشنودی و سلامت روان افراد می‌باشد (وودهیل و سامولنز، ۲۰۰۳؛ پراکاش^۱ و همکاران، ۲۰۱۰).

پس از ویژگی‌های مختلف نقش جنسیتی، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان ناسازگار پیش بینی‌کننده‌ی قدرتمندتری نسبت به راهبردهای سازگار برای خشم ظاهر شد (جدول-۴). همسو با پژوهش حاضر سایر تحقیقات نشان دادند که بین خودتنظیمی هیجانی پایین و رفتارهای پرخاشگرانه و رفتارهای ضد اجتماعی رابطه وجود دارد (لویز، گرانیک و لام، ۲۰۰۶؛ ترنتاکوستا و شاول، ۲۰۰۹)، همچنین افراد دارای توانایی پایین در تغییر ارادی توجه و بازداری تکانه‌های هیجانی، پرخاشگرتر هستند (روتبارت، ۱۹۸۲). علاوه بر آن ایسنبرگ فابس، نیمن، برنزویگ و پینولاس^۵ (۱۹۹۴) نشان دادند که کودکان دارای کنترل هیجانی خوب، قادر به بکارگیری

-
- Prakash et al
 - Lewis, Granic & Lamm
 - Trentacosta & Shaw
 - Rothbart
 - Eisenberg, Fabes , Nyman , Bernzweig & Pinuelas

روش‌های کلامی غیرخصمانه می‌باشند. با توجه به ارزیابی‌های کلی در تنظیم شناختی هیجانی می‌توان دریافت آندسته از دختران نوجوانی که بیش‌تر از راهبردهای تنظیم شناختی ناسازگار استفاده می‌کنند بیش‌تر از سایر همجنسان خود رفتارها و تمایلات خشونت‌آمیز را از خود بروز می‌دهند.

نتایج این مطالعه نشان داد راهبردهای ناسازگار سرزنش خود، نشخوار فکری، فاجعه‌انگاری و سرزنش دیگران و راهبرد سازگاران‌هی ارزیابی مجدد مثبت دارای سهم تعیین‌کننده در الگوی پیش‌بینی خشم دختران نوجوان هستند. با توجه به این یافته می‌توان استنباط کرد دخترانی که در شرایط استرس‌آمیز به‌طور مداوم به احساس و تفکر همراه با اتفاق ناخوشایند فکر می‌کنند، خود و همچنین دیگران را در پدیدآیی تجربیات منفی، مسئول و مقصر می‌دانند و اتفاق رخ داده را خیلی وحشتناک می‌پندارند احساس خشم بیش‌تری را تجربه می‌کنند و در مقابل آن‌دسته از دخترانی که پس از وقوع یک وضعیت استرس‌زا جنبه‌های مثبت یک اتفاق را جستجو می‌کنند، سطوح خشم کم‌تری را در خود احساس می‌کنند. استفاده مناسب از هیجانات نقش مهمی در زندگی، تحصیل، کار و موفقیت‌های انسان دارد. به باور هافمن و کاشدان^۱ (۲۰۱۰) یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های انسان، توانایی تنظیم و سازگاری هیجانات متناسب با الزامات موقعیت‌های خاص است. لذا به نظر می‌رسد برای کاهش مشکلات ارتباطی و رفتارهای خشونت‌آمیز و افزایش مهارت‌های اجتماعی، ضروری است آموزش مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان در دستور کار سیاست‌گزاران حوزه‌ی آموزش و سلامت جامعه قرار گیرد.

مطالعه حاضر دارای طرح مقطعی است و هرگونه استنباطی از نتایج آن جایز نیست. علاوه بر آن ممکن است الگوی پاسخدهی در ترجیحات جنسیتی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان برای جامعه پسران نوجوان متفاوت از دختران باشد. بنابراین تعمیم یافته‌ها برای گروه پسران زیر سوال است. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود اثرات اصلی و تعاملی جنسیت، ترجیح نقش جنسیتی و همچنین الگوی

ساختاری تنظیم شناختی هیجان برای تعیین سطوح پرخاشگری نوجوانی مورد بررسی قرار گیرد تا امکان نتیجه‌گیری جامع‌تر فراهم شود. در مجموع الگوی پیش‌بینی حاصل از این مطالعه بر نقش ناسازگارانه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان شامل سرزنش خود، نشخوار فکری، فاجعه‌سازی و سرزنش دیگران و همچنین جهت‌گیری جنسیتی مردانگی در افزایش خشونت ورزی دختران نوجوان تاکید نمود. همچنین مشخص شد تقویت و آموزش راهبرد سازگارانه‌ی ارزیابی مجدد مثبت می‌تواند در کاهش خشونت‌ورزی دختران نوجوان ثمربخش باشد. یافته‌های این مطالعه پیشنهاد می‌کند که اجرای مداخلات آموزشی و درمانی مبتنی بر ارتقاء و اصلاح راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و نیز زمینه‌سازی فرهنگی در خصوص تغییر باورهای نامطلوب جنسیتی در میان دختران نوجوان می‌تواند در کاهش هیجانات منفی مانند خشم تاثیرگذار باشد.

قدردانی

نویسندگان بدینوسیله از کلیه همکارانی که امکان نمونه‌گیری بهتر را در مدارس شهرهای سنگر و لاهیجان فراهم نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارند. نتایج این پژوهش ارتباطی با منافع شخصی نویسندگان نداشته است.

منابع

پرواز، راعد؛ دلاور، علی؛ درتاج، فریبرز. (۱۳۹۰). ساخت و استاندارد کردن مقیاس خشم چند بعدی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان گیلانغرب در سال تحصیلی ۸۷-۸۶. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۲ (۵)، ۴۱-۶۶.

حجازی، الهه؛ رضادوست، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی اثر جنس و طرح‌واره‌های جنسیتی بر الگوهای دوستی. زن و جامعه، ۳، ۵۷-۷۷.

زاهدی فر، شهین؛ نجاریان، بهمن؛ شکرکن، حسین. (۱۳۷۹). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش پرخاشگری. *مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۷(۳)، ۷۳-۱۰۲.

عبدی، سلمان. (۱۳۸۷). *رابطه علی دیدگاه گیری، مقایسه گری عاطفی، جهت گیری نقش جنسی، خودنظارتی و تنظیم هیجان با همدمی هیجانی دانشجویان*. (پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده). دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز.

علوی، خدیجه؛ مدرس غروی، مرتضی؛ امین یزدی، سیدامیر؛ صالحی فدردی، جواد. (۱۳۹۰). اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی به شیوه ی گروهی (با تکیه بر مولفه های هوشیاری فراگیر بنیادین، تحمل پریشانی و تنظیم هیجانی) بر نشانه های افسردگی در دانشجویان. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۳(۲)، ۱۳۵-۱۲۴.

فروتن، یعقوب. (۱۳۸۹). *جامعه پذیری جنسیتی در کتاب های درسی مدارس ایران*. پژوهش زنان، ۸(۳)، ۱۹۵-۲۱۶.

نریمانی، محمد؛ عالی ساری نصیرلو، کریم؛ عفت پرور، سودا. (۱۳۹۲). اثر بخشی آموزش متمرکز بر هیجان بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان دانش آموزان آزار دیده عاطفی. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۳(۲)، ۳۷-۵۰.

یوسفی، فریده. (۱۳۸۵). بررسی رابطه راهبردهای شناختی تنظیم هیجان با افسردگی و اضطراب در دانش آموزان مراکز راهنمایی استعداد های درخشان. *فصلنامه کودکان استثنایی*، ۶(۴)، ۸۷۱-۸۹۲.

Bem, S. L. (۱۹۸۱). Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological review*, ۸۸(۴), ۳۵۴-۶۴.

Bem, SL. (۱۹۷۴). The measurement of psychological androgyny. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, ۴۲, ۱۵۵° ۱۶۲

Benarous, X., Hassler, C., Falissard, B., Consoli, A., & Cohen, D. (۲۰۱۵). Do girls with depressive symptoms exhibit more physical aggression than boys? A cross sectional study in a national adolescent sample. *Child and adolescent psychiatry and mental health*, ۹(۱), ۱-۸.

Bettencourt, B., Talley, A., Benjamin, A. J., & Valentine, J. (۲۰۰۶). Personality and aggressive behavior under provoking and neutral

- conditions: a meta-analytic review. *Psychological bulletin*, ۱۳۲(۵), ۷۵۱-۷۵۷.
- Brackett, M. A., Palomera, R., Mojsa-Kaja, J., Reyes, M. R., & Salovey, P. (۲۰۱۰). Emotion-regulation ability, burnout, and job satisfaction among British secondary-school teachers. *Psychology in the Schools*, ۴۷(۴), ۴۰۶-۴۱۷.
- Diefendorff, J. M., Richard, E. M., & Yang, J. (۲۰۰۸). Linking emotion regulation strategies to affective events and negative emotions at work. *Journal of Vocational behavior*, ۷۳(۳), ۴۹۸-۵۰۸.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., Nyman, M., Bernzweig, J., & Pinuelas, A. (۱۹۹۴). The relations of emotionality and regulation to children's anger-related reactions. *Child development*, ۶۵(۱), ۱۰۹-۱۲۸.
- Ellison, W. D., Rosenstein, L., Chelminski, I., Dalrymple, K., & Zimmerman, M. (۲۰۱۵). The clinical significance of single features of borderline personality disorder: anger, affective instability, impulsivity, and chronic emptiness in psychiatric outpatients. *Journal of personality disorders*, ۲۰, ۱-۱۰.
- Garnefski, N., & Kraaij, V. (۲۰۰۶). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: A comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences*, ۴۰(۸), ۱۶۵۹-۱۶۶۹.
- Garnefski, N., Van Den Kommer, T., Kraaij, V., Teerds, J., Legerstee, J., & Onstein, E. (۲۰۰۲). The relationship between cognitive emotion regulation strategies and emotional problems: comparison between a clinical and a non-clinical sample. *European journal of personality*, ۱۶(۵), ۴۰۳-۴۲۰.
- Gianakos, I. (۲۰۰۲). Issues of anger in the workplace: Do gender and gender role matter?. *The Career Development Quarterly*, ۵۱(۲), ۱۵۵-۱۷۱.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (۲۰۰۴). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the difficulties in emotion regulation scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, ۲۶(۱), ۴۱-۵۴.

- Gross, J. J., & John, O. P. (۲۰۰۳). Individual differences in two emotion regulation processes: implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of personality and social psychology*, ۸۵(۲), ۳۴۸-۳۶۲.
- Hofmann, S. G., & Kashdan, T. B. (۲۰۱۰). The affective style questionnaire: development and psychometric properties. *Journal of psychopathology and behavioral assessment*, ۳۲(۲), ۲۵۵-۲۶۳.
- Jermann, F., Van der Linden, M., d'Acremont, M., & Zermatten, A. (۲۰۰۶). Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ). *European Journal of Psychological Assessment*, ۲۲(۲), ۱۲۶-۱۳۱.
- Kabbouche, M. A., & Gilman, D. K. (۲۰۰۸). Management of migraine in adolescents. *Neuropsychiatric disease and treatment*, ۴(۳), ۵۳۵-۵۴۸.
- Kemp, S., & Strongman, K. T. (۱۹۹۵). Anger theory and management: A historical analysis. *The American journal of psychology*, ۱۰۸(۳), ۳۹۷-۴۱۷.
- Kim, M. Y., Ford, B. Q., Mauss, I., & Tamir, M. (۲۰۱۴). Knowing when to seek anger: Psychological health and context-sensitive emotional preferences. *Cognition and Emotion*, (ahead-of-print), ۱-۱۱.
- King, S., & Waschbusch, D. A. (۲۰۰۵). Social Aggression Among Girls. *The Canadian child and adolescent psychiatry review*, ۱۴(۴), ۱۲۲.
- Kinney, T. A., Smith, B. A., & Donzella, B. (۲۰۰۱). The influence of sex, gender, self-discrepancies, and self-awareness on anger and verbal aggressiveness among US college students. *The Journal of social psychology*, ۱۴۱(۲), ۲۴۵-۲۷۵.
- Kopper, B. A., & Epperson, D. L. (۱۹۹۱). Sex and Sex-Role Comparisons in the Expression of Anger. *Psychology of women Quarterly*, ۱۵(۱), ۷-۱۴.
- Kopper-Roland, B. A. (۱۹۸۸). *Women and anger: gender and sex role differences in anger expression and their effects on depression and self*. Iowa State University: Retrospective Theses and Dissertations.
- Lewis, M. D., Granic, I., & Lamm, C. (۲۰۰۶). Behavioral differences in aggressive children linked with neural mechanisms of emotion regulation. *Annals of the New York Academy of Sciences*, ۱۰۹۴(۱), ۱۶۴-۱۷۷.
- Logan-Greene, P., & Jones, A. S. (۲۰۱۵). Chronic neglect and aggression/delinquency: A longitudinal examination. *Child abuse & neglect*. ۴۵, ۹-۲۰.

- Martini, T. S., & Busseri, M. A. (۲۰۱۰). Emotion regulation strategies and goals as predictors of older mothers and adult daughters helping-related subjective well-being. *Psychology and aging*, ۲۵(۱), ۴۸-۵۹.
- Mennin, D., & Farach, F. (۲۰۰۷). Emotion and evolving treatments for adult psychopathology. *Clinical Psychology: Science and Practice*, ۱۴(۴), ۳۲۹-۳۵۲.
- Milovchevich, D., Howells, K., Drew, N., & Day, A. (۲۰۰۱). Sex and gender role differences in anger: An Australian community study. *Personality and Individual Differences*, ۳۱(۲), ۱۱۷-۱۲۷.
- Pattiselanno, K., Dijkstra, J. K., Steglich, C., Vollebergh, W., & Veenstra, R. (۲۰۱۵). Structure matters: the role of clique hierarchy in the relationship between adolescent social status and aggression and prosociality. *Journal of youth and adolescence*, ۱۶, ۱-۱۸.
- Pellitteri, J. (۲۰۰۲). The relationship between emotional intelligence and ego defense mechanisms. *The Journal of psychology*, ۱۳۶(۲), ۱۸۲-۱۹۴.
- Pikó, B., & Pinczés, T. (۲۰۱۳). [Impulsivity-aggression-depression: study of adolescents' problem behavior in light of their personality traits]. *Psychiatria Hungarica: A Magyar Pszichiátriai Társaság tudományos folyóirata*, ۲۹(۱), ۴۸-۵۵.
- Prakash, J., Kotwal, A. S. M., Ryali, V. S. S. R., Srivastava, K., Bhat, P. S., & Shashikumar, R. (۲۰۱۰). Does androgyny have psychoprotective attributes? A cross-sectional community-based study. *Industrial psychiatry journal*, ۱۹(۲), ۱۱۹-۱۲۴.
- Pratt, H. D. (۱۹۹۹). Interpersonal violence, aggression, and antisocial behaviours in the adolescents. *The Indian Journal of Pediatrics*, ۶۶(۴), ۵۸۹-۶۰۲.
- Quirin, M., Kuhl, J., & Düsing, R. (۲۰۱۱). Oxytocin buffers cortisol responses to stress in individuals with impaired emotion regulation abilities. *Psychoneuroendocrinology*, ۳۶(۶), ۸۹۸-۹۰۴.
- Robins, S., & Novaco, R. W. (۱۹۹۹). Systems conceptualization and treatment of anger. *Journal of clinical psychology*, ۵۵(۳), ۳۲۵-۳۳۷.
- Rothbart, M. K., Ahadi, S. A., & Hershey, K. L. (۱۹۹۴). Temperament and social behavior in childhood. *Merrill-Palmer Quarterly* (۱۹۸۲-), ۲۱-۳۹.

- Shuster, M. M., Li, Y., & Shi, J. (۲۰۱۲). Maternal cultural values and parenting practices: Longitudinal associations with Chinese adolescents aggression. *Journal of adolescence*, ۳۵(۲), ۳۴۵-۳۵۵.
- Taft, C. T., Weatherill, R. P., Woodward, H. E., Pinto, L. A., Watkins, L. E., Miller, M. W., & Dekel, R. (۲۰۰۹). Intimate partner and general aggression perpetration among combat veterans presenting to a posttraumatic stress disorder clinic. *American Journal of Orthopsychiatry*, ۷۹(۴), ۴۶۱-۴۴۸.
- Taylor, J. L., & Novaco, R. W. (۲۰۰۵). *Anger treatment for people with developmental disabilities: A theory, evidence and manual based approach*. John Wiley & Sons. P. ۴۳-۶۶
- Thomas, S. P., & Smith, H. (۲۰۰۴). School connectedness, anger behaviors, and relationships of violent and nonviolent American youth. *Perspectives in psychiatric care*, ۴۰(۴), ۱۳۵-۱۴۸.
- Trentacosta, C. J., & Shaw, D. S. (۲۰۰۹). Emotional self-regulation, peer rejection, and antisocial behavior: Developmental associations from early childhood to early adolescence. *Journal of Applied Developmental Psychology*, ۳۰(۳), ۳۵۶-۳۶۵.
- Wang, S., Zhang, W., Li, D., Yu, C., Zhen, S., & Huang, S. (۲۰۱۵). Forms of aggression, peer relationships, and relational victimization among Chinese adolescent girls and boys: roles of prosocial behavior. *Frontiers in Psychology*, ۶. ۱۲۶۴, ۱-۱۲.
- Woodhill, B. M., & Samuels, C. A. (۲۰۰۳). Positive and negative androgyny and their relationship with psychological health and well-being. *Sex Roles*, ۴۸(۱۱-۱۲), ۵۵۵-۵۶۵.
- You, S., & Lim, S. A. (۲۰۱۵). Development pathways from abusive parenting to delinquency: the mediating role of depression and aggression. *Child abuse & neglect*, ۴۶, ۱۵۲-۱۶۲.